

آمریکا برای حفظ امنیت اسرائیل، چگونه خاورمیانه را ترکیب‌بندی می‌کند؟

به قلم؛ فریدون مجلسی؛ دیپلمات پیشین

وضعیت سوریه از چگونگی سروشکل گرفتن شرایط کنونی آن تبعیت می‌کند، چراکه هیچ‌گاه در این کشور سابقه به وجود آمدن چنین ترکیبی وجود نداشته است. این کشور با سابقه تمدن باستانی مشخص، یکی از مناطق زمان بیزانس و رم شرقی به حساب می‌آید که مرکز ثقل آن عبارت بود از دمشق، حلب و انطاکیه و یک تمدن عظیم تاریخی را در آنجا شاهد بوده‌ایم. در این میان ما به صورت مشخص درحال مشاهده یک تقسیم‌بندی هستیم که بیگانه‌ترین منطقه را باید مناطق کردنشین سوریه بدانیم. نوع سلطه دولت مرکزی سوریه بر این مناطق به گونه‌ای بوده که کردها را در آنجا به عنوان شهروند درجه دوم مورد شناسایی قرار می‌دادند. در این میان کردها می‌خواهند از این فرصت به نفع خود استفاده کنند و در این راستا، ایالات متحده و اسرائیل هم یک دیدگاه ویژه نسبت به این جریان که در شمال سوریه مستقر هستند، پیدا کرده‌اند و به نوعی موقعیت آنها را بسیار مهم می‌دانند. از سوی دیگر ترکیه که جمعیت قابل توجهی از کردها را درون خود جای داده، نگران قدرت گرفتن کردها در سوریه و سرایت آن به خاک خود است. به همین دلیل در مورد کردها، اختلاف نظر میان آمریکا و اسرائیل با ترکیه وجود دارد. برای واشنگتن اهمیت جریان کردی در این است که می‌تواند با اتکا بر این جریان در عراق و سوریه، رابطه هر دو کشور را به نوعی کنترل کرده و نفوذ خود را عمیق‌تر کند. به همین دلیل احتمال دارد که بخش‌های شمالی سوریه فعلی به نوعی در اختیار ترکیه و عرب‌ها قرار گیرد تا یک منطقه حائل میان آنها با جریان کردی مستقر در سوریه ایجاد شود. این وضعیت درحالی است که اگر قرار باشد سوریه به کانتون‌های مختلف تقسیم شود، می‌تواند در شرایطی که اگر حمایت‌های گسترده انجام شود، قدرت‌ها به صورتی نسبی تقسیم شود.

محور دوم در این وضعیت، علوی‌ها هستند که بیش از سه میلیون نفر از جمعیت سوریه را تشکیل می‌دهند و در لاذقیه و مناطقی که روس‌ها در آنجا حضور داشتند، پررنگ‌تر بودند. باید توجه شود که سلطه علوی‌ها بر سوریه به زعم برخی‌ها نوعی سلطه خودی‌ها بر غیرخودی‌ها را شکل داده بود و حتی بعضی‌های علوی و غیرعلوی در این میان معنا پیدا کرد که یک بحث قومی بود و آیندگان چندان به آن توجه نخواهند کرد. بر همین اساس علاوه بر نواحی شمالی و شرقی، مناطق غربی سوریه هم در آینده این کشور باید زیر ذره‌بین قرار بگیرد. اما در نواحی جنوبی یعنی در مرز اردن - سوریه اوضاع به گونه‌ای دیگر است. اینکه گفته می‌شود اسرائیل در این مناطق اقدام نظامی انجام داده و وارد خاک سوریه شده، یک بحث است اما بحث دیگر این است که آیا

اسرائیل می‌تواند در این ناحیه بماند یا خیر، مسأله‌ای است که می‌تواند واکنش ایدئولوژیک عربی را به دنبال داشته باشد؛ چراکه اولاً اعراب منطقه را نمی‌توان با سال‌های ۱۹۴۷ یا ۱۹۴۸ میلادی مقایسه کرد، دوماً اینکه اسرائیل و آمریکا به روابط با اعراب منطقه و کشورهای عربی نیاز دارند.

موضوع دیگر این است که تحریرالشام از سوی آمریکا و بسیاری از کشورهای غربی و حتی روسیه به‌عنوان یک گروه تروریستی خارجی فهرست شده است اما باید متوجه بود که همین کشورها می‌توانند چند روز دیگر این جریان را از فهرست تروریستی خود خارج کنند و اساساً سیاست در اینجا حکم می‌کند. اینکه داعش را با القاعده مقایسه کنیم، غلط است؛ چراکه القاعده توسط غرب در افغانستان و برای جلوگیری از نفوذ کمونیسم و ضربه زدن به آن تشکیل شد و به گونه‌ای می‌توان گفت که تقریباً باید پایه‌گذاری آن را نوعی انتقام آمریکا در قبال «ویت‌کنگ‌ها» در ویتنام که توسط شوروی حمایت می‌شدند، دانست که برای آمریکا بسیار مفید واقع شد.

هیلاری کلینتون به این موضوع اشاره کرد که بعد از استفاده از القاعده، دست‌های خود را شستیم و آنها را رها کردیم و در نهایت از این جریان داعش بیرون آمد و خاطرات تلخی از اسلام افراطی بیرون آمد. در مقابل می‌بینیم که ابومحمد الجولانی، رهبر تحریرالشام از نخست‌وزیر سابق درخواست کرد تا اداره امور را در دست بگیرد و در نهایت محمد البشیر را به عنوان رئیس دولت انتقالی سوریه معرفی کرد که در امر توسعه و مسائل فرهنگی ادلب به نوعی فعالیت داشته تا این پیام را مخابره کند که قرار نیست کشور را به قرون وسطی برگرداند اما باید دید که روند به کدام سمت پیش می‌رود. اما در مورد سناریوهای موجود درخصوص آینده سوریه باید گفت که ایالات‌متحده به دنبال آن است که یک حلقه غیرمسلح پیرامون سوریه به‌خصوص اطراف اسرائیل ایجاد کند. واشنگتن و اسرائیل در حقیقت یک لبنان غیرمسلح، یک فلسطین غیرمسلح، یک حزب‌الله غیرمسلح و حتی سوریه غیرمسلح را می‌خواهند و می‌گویند که این اقدام برای گفت‌وگو و ایجاد روابط اسرائیل و اعراب یک نیاز حیاتی است. به عبارت دیگر سناریو آمریکا و اسرائیل، غیرمسلح‌سازی پیرامون اسرائیل و سرکوب مناطق ماورای پیرامون (به شرط وجود تهدید) اسرائیل است. اینکه اسرائیل درحال حمله به زیرساخت‌های نظامی سوریه است به این دلیل بوده که آنها می‌دانند سوریه تا اطلاع ثانوی درگیر مسائل متعدد اقتصادی و ... خواهد بود و حتی اگر به دمشق گفته شود که نباید سلاح داشته باشید، آنها هم چندان با این موضوع مخالفت نمی‌کنند. به همین دلیل باید گفت که مسلح ماندن اسرائیل برای تل‌آویو هزینه‌زا خواهد

بود اما در مقابل بحث غیرمسلح‌سازی در دستور کار آمریکا و اسرائیل خواهد بود. باید توجه شود که جنگ جهانی دوم هم با غیرمسلح کردن آلمان و ژاپن پایان یافت و با این اقدام بود که این دو کشور به قطب اقتصاد و تکنولوژی تبدیل شدند.